

بسمه تعالی

حضور کودک معلول در خانواده - قسمت دوازدهم

کودک کم توان ذهنی - قسمت اول

دکتر محمد کمالی

خانواده ها و بویژه زوج های جوان ، آرزومند داشتن فرزندی سالم ، زیبا و باهوش هستند. در این میان بواسطه برخی عوامل درصدی از نوزادان زمانی که پا به عرصه وجود می نهند ، با درجاتی از عقب ماندگی ذهنی روبرو هستند و یا اینکه در دوران رشد اولیه خود به این عارضه دچار می شوند. به نظر می رسد ، کم توانی ذهنی کودک ، یکی از مهمترین مواردی است که خانواده ها را در معرض آسیب جدی قرار می دهد . چنانچه زوجی که اینک صاحب چنین فرزندی شده اند ، با سعه صدر ، تحمل و پذیرش واقعیت کم توانی ذهنی کودک ، با مسئله برخورد نکنند ، مشاهده شده است که ممکن است ادامه زندگی مشترک آنان با خطر جدی روبرو شده و در برخی موارد به جدائی منجر گردد.

حضور کودک کم توان ذهنی در خانواده نه تنها بر روابط بین زوج تأثیر می گذارد بلکه در تمامی ارتباطات اجتماعی ، خانوادگی ، اقتصادی و ... آنان نیز بشدت مؤثر است. به جرأت می توان کم توانی ذهنی کودک را از نظر شدت تأثیر بر مسائل خانواده ، مهمترین نوع ناتوانی و معلولیت دانست. در سالیان گذشته ، برخورد با عقب ماندگی ذهنی ، در تلاش خانواده برای سپردن فرزند به مراکز نگهداری شبانه روزی خلاصه می شد و این امر حتی در مورد کودکانی که از بهره هوشی کافی برای یادگیری فعالیت های روزمره زندگی برخوردار بودند ، انجام می گرفت . محدودیت مراکز شبانه روزی باعث ایجاد فهرست های نوبت در مراکز بهزیستی شده بود . در همین زمان در کشورهای توسعه یافته با تغییر نگرش ها نسبت به کم توانی ذهنی و پذیرش افراد کم توان ذهنی برای برخورداری از یک زندگی در خور و شایسته ، گسترش مراکز روزانه توانبخشی و انجام برنامه های توانبخشی مناسب را شاهد بودیم که منجر به ایجاد شرایط مطلوبی برای زندگی این گروه از افراد شد. بعنوان مثال در سوئد ، در حالی که امید به زندگی برای این افراد در سال 1930 حدود 2/5 سال بوده است ، در حال حاضر به 57 سال رسیده است و هم اکنون هیچ مرکز نگهداری شبانه روزی در آن کشور برای کم توانان ذهنی وجود ندارد. در ایران هم در ده سال اخیر قدم های مؤثری برای گسترش مراکز روزانه توانبخشی برداشته شده است که تصویر کم توانی ذهنی را با آنچه در سالیان قبل شاهد بوده ایم ، متفاوت کرده است.

اینک بدنبال سلسله مقالاتی که در زمینه حضور کودک معلول در خانواده داشته ایم و به طرح مباحثی در مورد کودکان نابینا، ناشنوا پرداخته ایم از این قسمت بحث خود را در مورد کودک کم توان ذهنی آغاز می کنیم. با این امید که این مباحث بتواند هم زمینه ارتقاء آگاهی خانواده ها را فراهم نماید و هم در مورد روش های برخورد با آنان با توجه به نگرش های جدید، اطلاعاتی در اختیار جامعه قرار دهیم. بنابراین بهتر است بحث را با تعریف عقب ماندگی (کم توانی) ذهنی شروع کنیم. چنانچه عملکرد هوشی فرد به صورت معنی داری پائین تر از حد طبیعی باشد و این عملکرد با محدودیت هایی در رفتارهای سازشی و تطبیقی همراه باشد او را کم توان ذهنی می نامند با این شرط که شروع مشخص آن در دوره رشد و تکامل فرد باشد. به تعبیر دیگر در هر جامعه سطح عملکرد هوشی افراد به صورت طبیعی مشخص است حال چنانچه فردی در مقایسه با دیگران دارای محدودیت های عملکرد هوشی باشد می توان وی را کم توان ذهنی نامید. برای سنجش دقیق تر این عملکرد از “ بهره هوشی ” و اندازه گیری آن استفاده می شود. آزمون های مختلفی برای تعیین بهره هوشی وجود دارد که می باید برای هر جامعه ای به صورت “ استاندارد ” یا “ هنجار ” درآمده باشد. تعیین بهره هوشی از تقسیم سن عقلی (که بر اساس آزمون هوش تعیین می شود) بر سن تقویمی (همان سن شناسنامه فرد) ضربدر 100، بدست می آید و بر همین اساس اقدام به سطح بندی میزان کم توانی ذهنی افراد مبتلا می نمایند. بر این اساس جدول زیر نمایانگر سطح بندی میزان کم توانی ذهنی خواهد بود.

خیلی شدید	شدید	متوسط	خفیف
24 و کمتر	25-39	40-54	55-70

ادامه بحث در این زمینه را با موضوع “ علل کم توانی ذهنی ” در قسمت سیزدهم پی خواهیم

گرفت.